توسعه ایرانی
روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee_irani
ایمیل: toseirani@gmail.com

گزارش

شطرنج سنگین در نقل‌وانتقالات؛ بمب ملی‌پوش در تبریز می‌ترکد؟

پاتک با هایجک!

نازنین دشتی

بازار نقل‌وانتقالات فوتبال ایران همواره شبیه به یک درام پر تعلیق، پر از پیچ‌وخم‌های غیرمنتظره و انتقام‌های خاموش بوده است. در ست در روزهایی که هواداران فوتبال تصور می‌کردند پرسپولیس با قاپیدن محمدمهدی محبی، برنده بزرگ نبرد تابستانی با تراکتور شده است، از تبریز خبر می‌رسد که سرخ‌پوشان دیار آذربایجان نه‌تنها تسلیم نشده‌اند، بلکه در حال نهایی کردن یکی از سنگین‌ترین پاتک‌های چند سال اخیر لیگ برتر هستند. صحبت از محمد قربانی است؛ هافبک جوان، خوش‌نقش و ملی‌پوش فوتبال ایران که تا همین چند هفته پیش در فهرست آرزوهای سرخ‌پوشان پایتخت قرار داشت، اما حالا در یک‌قدمی پوشیدن پیراهن قرمز تبریز است.

تراکتور این فصل، رفتاری متفاوت از همیشه در پیش گرفته است. دیگر خبری از جنجال‌های رسانه‌ای اولیه و وعده‌های بزرگ نیست؛ آنها مثل یک شکارچی باتجربه، بی‌صدا اما بسیار دقیق در بازار حرکت کرده‌اند. هادی حبیبی‌نژاد، میلاد زکی‌پور، محمد دانشگر و شهریار مغانلو یکی پس از دیگری راهی تبریز شدند تا جای خالی جداشده‌هایی چون سدلار، کریم آذر و دروژدک را پر کنند. اما نقطه عطف سیاست جدید محمدرضا زنوزی و کادر مدیریتی تراکتور، خارج‌زدایی هوشمندانه است. تجربه تلخ دراماتیک انصراف مربیان و بازیکنان خارجی از حضور در بازی جام حذفی قزوین، درس بزرگی به تبریزی‌ها داد. آنها دریافتند که برای داشتن اسکوادی مطمئن و بدون ریسک در روزهای حساس، باید استخوان‌بندی اصلی تیم را بر پایه ستاره‌های تراز اول داخلی بنا کنند.

قصه انتقال محمد قربانی زمانی جذاب‌تر می‌شود که فلش‌بک کوتاهی به چند ماه قبل بزنیم. باشگاه پرسپولیس مدت‌ها به دنبال جذب این هافبک آینده‌دار بود. مذاکرات متعددی میان مدیران پایتخت و باشگاه الوحده امارات شکل گرفت، اما بن‌بست در توافقات مالی و عدم رضایت باشگاه اماراتی، این انتقال را به یک بن‌بست کامل کشاند. در همین حین، پرسپولیس موفق شد محمدمهدی محبی را که شدیدا مورد توجه محمد ربیعی و تراکتور بود، از الاتحاد کلبا ربوده و سرخ‌پوش کند. این حرکت، یک ضربه نقل‌وانتقالاتی به تبریزی‌ها محسوب می‌شد. اما پاسخ تراکتور چه بود؟ صبر و ضربه در بهترین زمان ممکن. تراکتوری‌ها که دیدند مذاکرات تهران و ابوظبی به سرانجام نرسیده، بلافاصله وارد گود شدند. پیشنهاد مالی قوی‌تر، پروژه ورزشی جذاب‌تر و تضمین جایگاه در ترکیب اصلی، فرمولی بود که مدیران تراکتور روی میز گذاشتند تا قربانی را در مسیر تبریز قرار دهند.

کلید نهایی این انتقال بزرگ اما در دستان یک ستاره ازبکستانی است؛ اودیل خامروبکف. خامروبکف که فصل گذشته با قراردادی گران‌قیمت و بلندمدت به تراکتور پیوسته بود و عملکرد خوبی هم داشت، حالا با پیشنهادی جدی از سوی باشگاه سابقش، پاختاکور ازبکستان روبه‌رو شده است. مدیران تراکتور با یک تیر دو نشان می‌زنند؛ جدایی خامروبکف و دریافت رقم رضایتنامه مناسب از پاختاکور و آزاد شدن یک سهمیه بازیکن خارجی و در مقابل جایگزینی قربانی و تزریق سرمایه حاصل از فروش خامروبکف به پروژه خرید ستاره ملی‌پوش و ساخت یک خط هافبک کاملا ملی و ایرانی.

مسیر رشد محمد قربانی شبیه به یک جت فوق سریع بوده است. او که فوتبالش را از هوادار آغاز کرد و در سپاهان به اوج شکوفایی رسید، خیلی زود لژیونر شد. تجربه بازی در سرمای سخت لیگ روسیه با پیراهن اورنبورگ و سپس بازی در کیفیت بالای لیگ ادنوک امارات با پیراهن الوحده، از او بازیکنی با بیش از ۶۰ بازی بین‌المللی و باتجربه ساخته است؛ آن هم در حالی که هنوز در ابتدای دوران جوانی خود قرار دارد. قربانی یک هافبک مدرن دفاعی و میانی است؛ بازیکنی با قدرت توپ‌گیری بالا، پاس‌های قطری دقیق و قامت مناسب که قدرت سرزنی تیمش را در کارهای دفاعی و هجومی دوچندان می‌کند. با حضور او، محمد ربیعی یک مهره همه‌فن حریف در مرکز زمین خواهد داشت که توانایی بازی در پست مدافع میانی را هم دارا است.

اگرچه هنوز هیچ برگه و قراردادی به صورت رسمی امضا نشده و طرفین در حال چانه‌زنی بر سر آخرین جزئیات مالی و بندهای فسخ هستند، اما منابع مطلع تایید می‌کنند که توافقات اولیه انجام شده و مذاکرات به مراحل پایانی خود رسیده است. باشگاه تراکتور قصد دارد ظرف ۷۲ ساعت آینده این معامله را یکسره کند. اگر اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ ندهد، محمد قربانی به زودی پرواز خود به مقصد تبریز را رزرو خواهد کرد تا نشان دهد اگر پرسپولیس در هایجک کردن مهارت دارد، تراکتور استاد زدن پاتک‌های مرگبار در ساعات پایانی بازار است. باید منتظر ماند و دید آیا عکس قربانی با شال قرمز تراکتور در کادر دوربین‌ها ثبت خواهد شد یا بازار نقل‌وانتقالات تابستانی یک سورپرایز دیگر در آستین دارد؟ چیزی که مشخص است، سرخ‌پوشان تبریزی این بار نه‌تنها دفاع نکرده‌اند، بلکه به قلب خط حمله رقیب مستقیم خودزده‌اند!

سمفونی سامبا در گوش پسر خلیج فارس؛ وقتی فوتبال تمام معادلات را به هم می‌ریزد

بزن بریم برزیل

آریا طاری

فوتبال هرگز تنها یک ورزش ساده با توپ و دو دروازه نبوده است؛ فوتبال زبان مشترک رویاها، دیوانگی‌ها و قصه‌هایی است که گاهی از مرز تخیل هم فراتر می‌روند. در دنیای خشک و محاسبه‌گر امروز که همه‌چیز با داده‌های آماری، نقشه‌های حرارتی و الگوریتم‌های پیچیده سنجیده می‌شود، هنوز هم جای خالی برای شگفتی باقی مانده است. گاهی یک خبر، یک شایعه یا یک خط تیتر در یک رسانه آن‌سوی آب‌ها، چنان ضربانی به قلب هواداران وارد می‌کند که تمام منطق بازار نقل و انتقالات رنگ می‌بازد. خبر اخیر شبکه معتبر ESPN برزیل دقیقا از همین جنس است؛ خبری که اگرچه تا تبدیل شدن به واقعیت راه درازی در پیش دارد، اما در همین فرصت شایعه نیز ضربان قلب فوتبال ایران را به شماره انداخته است؛ مهدی طارمی در رادار واسکو دوگاما. شنیدن این جمله در نگاه اول شبیه به یک شوخی رسانه‌ای یا یک باگ در سیستم خبری به نظر می‌رسد. از آتن تا ریودوژانیرو؟ از لیگ یونان تا قلب تپنده فوتبال آمریکای جنوبی؟ اما وقتی به عمق ماجرا خیره می‌شویم، می‌بینیم که این سناریو، با تمام غیرمنتظره بودنش، شاعرانه‌ترین پایانی است که می‌توان برای یک ستاره عصیانگر متصور شد.

برای درک چرایی شکل‌گیری این شایعه، باید به وضعیت امروز مهدی طارمی نگاه کنیم. مهاجم ۳۴ ساله ایرانی، روزهای روشنی را در المپیاکوس یونان سپری نمی‌کند. او تابستان گذشته چمدان‌هایش را به مقصد آتن بست تا دوباره همان مهاجم بی‌رحم، زهرآگین و مرد اول خط حمله یک تیم مدعی باشد. بازیکنی که سال‌ها در بالاترین سطح اروپا، در لیگ قهرمانان و در ترکیب تیم‌های بزرگ، تور دروازه‌ها را به لرزه درآورده بود، انتظار داشت در یونان پادشاهی کند. اما واقعیت مستطیل سبز، گاهی بی‌رحم‌تر از پیش‌بینی‌هاست. رقابت‌های فشرده در خط حمله، تغییرات پیاپی و خسته‌کننده در کادر فنی و فرصت‌هایی که در میان تاکتیک‌های متغیر تیم از دست رفت، باعث شده تا ادامه حضور در المپیاکوس برای طارمی جذابیت سابق را نداشته باشد. فوتبال برای بازیکنی با غریزه طارمی، تنها دویدن و پرس کردن نیست؛ فوتبال برای او به معنای لمس توپ در محوطه جریمه، بوییدن فرصت و شلیک تیر خلاص است. وقتی این فضا از یک مهاجم تشنه گرفته شود، او دیگر به دنبال یک قرارداد جدید نیست، بلکه به دنبال تیمی می‌گردد که دوباره روح فوتبال را در او بیدار کند. نزدیکان طارمی نیز از این فضای سرد و نارضایتی‌های پنهان پرده برداشته‌اند و همین موضوع، هیزم به آتش شایعات ریخته است.

مهدی طارمی، پسری که روزگاری در زمین‌های خاکی و شرجی بوشهر به توپ ضربه می‌زد و بعدها در پرتغال، اسپانیا، ایتالیا و یونان نام خود را بر سر زبان‌ها انداخت، می‌تواند نخستین فوتبالیست تاریخ ایران باشد که قفل دروازه‌های آمریکای جنوبی را می‌شکند

دقیقا در همین روزهای پرالتهاب، نام واسکو دوگاما به میان می‌آید. برای کسانی که فوتبال را عمیق‌تر دنبال می‌کنند، واسکو تنها یک نام در جدول سری آ برزیل نیست؛ واسکو یک تاریخ زنده، یک مکتب و یک معبد مقدس در فوتبال آمریکای جنوبی است. باشگاهی که ریشه در مبارزه با تبعیض دارد و سکوهایش پر از کارگرانی است که فوتبال، تنها دلخوشی زندگی‌شان محسوب می‌شود. وقتی از واسکو حرف می‌زنیم، از پیراهنی سخن می‌گوییم که بر تن اسطوره‌های بی‌بدیلی چون روماریوی افسانه‌ای، ادموندوی دیوانه، ژونینیو پرنامبوکانو با آن ضربات آزاد ناقض قوانین فیزیک و فیلیپه کوتینیوی جادوگر بوده است. ورزشگاه سائو ژانوریو با معماری کلاسیک و اتمسفر ویرانگرش، هنوز یکی از نمادهای خالص فوتبال برزیل است؛ جایی که هوادارانش ۹۰ دقیقه روی سکوها سامبا می‌رقصند و با ریتم طبل‌ها، تیم‌شان را به جلو می‌رانند. مدیران واسکو برای فصل جدید، به دنبال گمشده‌ای در خط حمله خود هستند؛ یک مهاجم باتجربه، میدان‌دیده و سردوگرم چشیده که بتواند بار روانی تیم را به دوش بکشد. از نگاه آنها، کارنامه طارمی، سال‌ها درخشش در اروپا و تجربه گران‌بهای ملی، دقیقا همان چیزی است که می‌تواند به خط حمله واسکو شخصیت و وزن بدهد.

شاید تا چند سال پیش، انتقال یک بازیکن از اروپا به برزیل، تنها به معنای پایان فوتبال او تلقی می‌شد. برزیل همیشه به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده استعداد به قاره سبز شناخته می‌شد و لیگ داخلی‌اش از لحاظ مالی توان رقابت با غول‌های اروپایی را نداشت. اما این معادله در سال‌های اخیر کاملا دگرگون شده است. فوتبال برزیل در حال تجربه یک رنسانس بزرگ اقتصادی و ساختاری است. باشگاه‌های بزرگ این کشور حالا به لطف حق پخش‌های کلان و اسپانسرهای قدرتمند، توانایی مالی فوق‌العاده‌ای پیدا کرده‌اند. آنها دیگر فقط ستاره‌های جوان را نمی‌فروشند، بلکه نام‌های بزرگ را از اروپا به خانه می‌آورند. انتقال پرسر و صدای ممفیس دپای به کورینتیانس، بازگشت حماسی تیاگو سیلوا به فلومینزه و حضور ده‌ها ستاره دیگر، نشان می‌دهد که سری آ برزیل دوباره به یکی از جذاب‌ترین، رقابتی‌ترین و دیوانه‌وارترین لیگ‌های جهان تبدیل شده است. در چنین فضایی، برزیل دیگر یک مقصد حاشیه‌ای نیست، بلکه صحنه‌ای بزرگ برای درخشش از جنسی متفاوت است.

با وجود تمام این تصویرسازی‌های هیجان‌انگیز و شاعرانه، رسالت خبری ایجاب می‌کند که پای خود را روی زمین سفت واقعیت نگه داریم. باید با صدای بلند و واضح گفت؛ این پرونده، در حال حاضر تنها یک شایعه داغ رسانه‌ای است و هیچ تضمینی برای عملی شدن آن وجود ندارد. مهدی طارمی همچنان یک فصل دیگر با باشگاه المپیاکوس تحت قرارداد است و یونانی‌ها برای صدور رضایت‌نامه او، قطعا خواسته‌های مالی مشخصی خواهند داشت. از سوی دیگر، واسکو دوگاما تا این لحظه هیچ پیشنهاد رسمی و مکتوبی روی میز مدیران المپیاکوس قرار نداده است. همه‌چیز در مرحله بررسی، ارزیابی و سبک‌سنگین کردن شرایط قرار دارد. در دنیای پیچیده نقل و انتقالات، فاصله میان یک گزارش در ESPN تا عقد قرارداد نهایی، می‌تواند به اندازه عبور از یک اقیانوس متلاطم باشد و این احتمال کاملا وجود دارد که این شایعه جذاب، هرگز به حقیقت نپیوندد. اما... اگر این اتفاق رخ دهد چه؟ اگر این رویای دیوانه‌وار به واقعیت بپیوندد، بدون شک با یک بمب خبری عظیم مواجه خواهیم شد؛ بمبی که موج انفجار آن، تاریخ فوتبال ایران را برای همیشه تغییر خواهد داد. مهدی طارمی، پسری که روزگاری در زمین‌های خاکی و شرجی بوشهر به توپ ضربه می‌زد و بعدها در پرتغال، اسپانیا، ایتالیا و یونان نام خود را بر سر زبان‌ها انداخت، می‌تواند نخستین فوتبالیست تاریخ ایران باشد که قفل دروازه‌های آمریکای جنوبی را می‌شکند. پوشیدن پیراهن یک تیم برزیلی، آن هم تیمی با عظمت واسکو دوگاما، یک دستاورد بی‌نظیر و تجربه‌ای است که تاکنون هیچ ایرانی دیگری طعم آن را نچشیده و شاید تا دهه‌ها بعد نیز کسی به آن دست نیابد. این انتقال، فقط یک جابه‌جایی باشگاهی نیست؛ این پیوند خوردن تعصب و تکنیک شرقی، با جادو و جنون فوتبال آمریکای لاتین است. حتی اگر این شایعه فردا صبح به دست فراموشی سپرده شود، نفس مطرح شدن نام کاپیتان تیم ملی ایران برای حضور در چنین معبدی، نشان‌دهنده مسیر شگفت‌انگیز و قابل احترامی است که او در دوران حرفه‌ای خود طی کرده است. اما اگر این قفل بشکند، آخرین سکانس از مستند زندگی مهدی طارمی، در سرزمینی فیلمبرداری خواهد شد که فوتبال در آن، نه یک ورزش، که خود زندگی است.

چهره به چهره

پرده جدید درام آتزوری؛ نه پیرلو، نه مالدینی!

زلزله در رم

نگار رشیدی

فوتبال ایتالیا همیشه فراتر از یک ورزش ساده بوده است؛ درام، سیاست، غرور و شوک‌های ناگهانی، با رگ و پی فوتبال در سرزمین چکمه عجین شده‌اند. اما آنچه در ۲۴ ساعت گذشته در اردوگاه آتزوری رخ داده، حتی با استانداردهای درام‌سازی ایتالیایی‌ها نیز یک شاهکار تمام‌عیار است! داستانی که با رویای بزرگ و جانانه جذب پپ گواردیولا شروع شد و با سرخوردگی رسیدن به آندره‌آ پیرلو ادامه یافت، ناگهان با یک انفجار سهمگین سیاسی و مدیریتی فرو ریخت. پیرلو پرید، پائولو مالدینی و لئوناردو در آستانه استعفا قرار گرفتند و فدراسیون فوتبال ایتالیا اکنون در وسط یک ویرانه، خشمگین و سردرگم به دنبال راه نجات می‌گردد.

دوشنبه سیاه در رم

همه چیز برای دوشنبه، ۲۷ ژوئیه، برنامه‌ریزی شده بود. وکلای آندره‌آ پیرلو و نمایندگان فدراسیون فوتبال ایتالیا (FIGC) قرار بود در رم پشت یک میز بنشینند. بندهای فسخ قرارداد پیرلو با باشگاه یونایتد اف‌سی امارات روی میز بود تا پس از امضا، قهرمان جام جهانی ۲۰۰۶ رسما به عنوان سرمربی جدید لاجوردی‌پوشان معارفه شود. اما درست در آستانه شلیک نهایی، جووانی مالاگو، رئیس فدراسیون فوتبال ایتالیا، وارد معرکه شد و ترمز دستی را با تمام قدرت کشید! مالاگو به یک‌باره تمام توافقات را متوقف کرد. دلیل رسمی؟ یک جنجال سیاسی و مالی سنگین. نامزدی پیرلو که از همان ابتدا به دلیل کارنامه ضعیف مربیگری‌اش با موجی از انتقادات رسانه‌ای همراه بود، ناگهان زیر ضربات خردکننده افشاگری‌های سیاسی قرار گرفت. دلیل اصلی توقف چیست؟

همکاری تجاری پیرلو به عنوان سفیر جهانی با فون‌بت (Fonbet)، یک پلتفرم روسی شرط‌بندی ورزشی و ارتباط مالی عمیق او با سرگئی لوماکین (تاجر میلیاردر روسی و مالک باشگاه یونایتد اف‌سی امارات)، فشار سیاسی عظیمی را به فدراسیون وارد کرد. علاوه بر این، تعارض منافع و عدم‌سازگاری قانونی به دلیل فعالیت پسر پیرلو به عنوان مدیر برنامه ورزشی، پرونده او را کاملا مسموم کرد. مالاگو به این نتیجه رسید که نیمکت مقدس آتزوری نمی‌تواند زیر سایه چنین حواشی سنگینی قرار گیرد.

دفاعی که کارساز نشد

آندره‌آ پیرلو که خود را در مرکز یک طوفان سیاسی-ورزشی می‌دید، سکوتش را با پیامی بلند و دردناک در شبکه‌های اجتماعی شکست. او سعی کرد حساب خود را از بازی‌های سیاسی جدا کند و نوشت: «در روزهای اخیر با تلخی فراوان شاهد بحث‌هایی بوده‌ام که پیرامون نام من و احتمال بر عهده گرفتن نقش سرمربی تیم ملی شکل گرفته است. همکاری‌ای که در مرکز این جنجال قرار گرفته، صرفا ماهیتی تجاری و ورزشی دارد. نسبت دادن معنای سیاسی به آن، یعنی نسبت دادن باورهایی به من که هرگز بیان نکرده‌ام و به من تعلق ندارند. عشق به ایتالیا به سمت و مقام وابسته نیست.» پیرلو در پایان از مالدینی و لئوناردو بابت احترام و اعتمادی که به او داشتند تشکر کرد؛ جملاتی که بیشتر شبیه به یک نطق خداحافظی تلخ و سرافکنده از نیمکتی بود که هرگز روی آن ننشست. اما بیانیه او نتوانست فضای مسموم رم را آرام کند، به‌ویژه وقتی خود باشگاه عربی نیز رد کرد که پست مربیگری پیرلو بی‌ارتباط با اسپانسر روسی بوده است.

پروژه بزرگی که خاکستر شد

اکنون ترکش‌های این بمب، مستقیم به مغز مدیریتی آتزوری اصابت کرده است. پائولو مالدینی و لئوناردو، دو اسطوره‌ای که مسئولیت بازسازی ساختاری فوتبال ایتالیا را بر عهده گرفته بودند، حالا احساس تحقیر و خیانت می‌کنند. آنها ابتدا درهای خانه گواردیولا و آنچلوتی را زدند و پاسخ منفی شنیدند. سپس تمام اعتبار خود را وسط گذاشتند تا پروژه را با پیرلو پیش ببرند. حالا که رئیس فدراسیون شخصا گزینه آنها را وتو و مایه آبروریزی رسانه‌ای کرده است، ماندن این دو مدیر عملا غیرممکن به نظر می‌رسد. گزارش‌ها حاکی از آن است که مالدینی و لئوناردو در آستانه استعفای فوری قرار دارند. جلسه شورای فدرال که برای سه‌شنبه ۲۸ ژوئیه برنامه‌ریزی شده بود، حالا به دادگاهی برای تعیین تکلیف این فروپاشی مدیریتی تبدیل شده است. اگر مالدینی برود، پروژه‌ای که قرار بود آتزوری را مدرن کند، قبل از شروع به کاملی نابود شده است.

شطرنج جدید در رم

با کنار رفتن پیرلو و احتمال خروج مالدینی، مالاگو باید کل پلن مدیریتی و فنی تیم ملی را از نو طراحی کند. مهلت نهایی فدراسیون برای جمع‌وجور کردن این خرد کننده‌ترین بحران دهه اخیر، ۳۱ ژوئیه تعیین شده است. اما گزینه‌های روی میز چیست؟ اول از همه تغییرات در کادر مدیریتی؛ جورجو کیه‌لینی کاپیتان سابق و محبوب آتزوری، جدی‌ترین گزینه برای جانشینی مالدینی به عنوان مدیر فنی جدید است. کلودیو رانیری پیرمرد باوقار و باتجربه فوتبال ایتالیا، به عنوان گزینه‌ای تعدیل کننده مدنظر است تا آرامش را به بدنه مدیریتی فدراسیون بازگرداند. در گام دوم نوبت به بررسی گزینه‌های نیمکت سرمربیگری است. مانچو، معمار قهرمانی ایتالیا در یورو ۲۰۲۱، رابطه بسیار نزدیکی با مالاگو دارد. با وجود تیرگی روابط پس از جدایی ناگهانی‌اش در سال ۲۰۲۳ برای رفتن به عربستان، او حالا چراغ سبز نشان داده است. مانچینی حتی با یک قرارداد چهار ساله به ارزش دو میلیون یورو در هر سال (رقمی بسیار معقول) موافقت کرده تا برای جبران مافات برگردد. البته پای آنتونیو کونته هم در میان است و نام غول تشنه جام هنوز مطرح است. البته جذب کونته نیازمند بودجه‌ای سنگین‌تر است، اما گفته می‌شود سازمان سری آ حاضر است برای تامین دستمزد او به فدراسیون کمک مالی کند. سیلویو بالدینی، سرمربی فعلی تیم زیر ۲۱ سال ایتالیا هم به عنوان یک گزینه داخلی و بی‌دردسر، طرفداران خاص خود را در فدراسیون دارد.

بحران مطلق

ایتالیا که روزی به دنبال انقلاب تاکتیکی پپ گواردیولا بود، اکنون در بدترین و تاریک‌ترین وضعیت مدیریتی خود قرار دارد. سریالی که با رویاپردازی‌های پرطمطراق آغاز شد، حالا به یک درام سیاسی با محوریت پلتفرم‌های شرط‌بندی روسی، استعفای اسطوره‌ها و دادگاه‌های فدراسیونی تبدیل شده است. تنها چند روز تا ضرب‌الاجل ۳۱ ژوئیه باقی مانده و لاجوردی‌پوشان نه سرمربی دارند، نه مدیر فنی و نه سری آسوده‌ای برای خوابیدن. آیا بازگشت مانچینی یا حضور کونته می‌تواند این کشتی به گل نشسته را نجات دهد، یا زلزله‌ای که با نام پپ و پیرلو آغاز شد، فوتبال ایتالیا را به کلی ویران خواهد ساخت؟ پاسخ این سوال، زیباترین و در عین حال ترسناک‌ترین پرده از درام لاجوردی رم خواهد بود.

اتفاق روز

داستان ستاره‌هایی که از تور پرسپولیس گریختند

شوک در اردوگاه سرخ

در دنیای پرالتهاب و غیرقابل پیش‌بینی نقل و انتقالات فوتبال، گاهی فاصله میان پوشیدن پیراهن یک تیم بزرگ و بر باد رفتن تمام آرزوها، تنها به اندازه یک تماس تلفنی یا یک سوءتفاهم کوچک است. پرسپولیس که روزهای پرالتهابی را برای بستن تیمی قدرتمند سپری می‌کند، حالا با یکی از عجیب‌ترین و دراماتیک‌ترین پرونده‌های نقل و انتقالاتی تابستان مواجه شده است؛ پرونده‌ای که با یک «نه» بزرگ از سوی باشگاه نساجی، با پایانی تلخ برای سرخ‌پوشان همراه شد. داستان از جایی آغاز شد که نام دو استعداد درخشان و جوان به تیتر یک اخبار پرسپولیس تبدیل شد؛ کسری طاهری (پدیده ۱۹ ساله که از روبین کازان روسیه مورد توجه قرار گرفته بود) و دانیال ایری (مدافع ۲۲ ساله و آینده‌دار). مهدی تارتار، سرمربی پرسپولیس، حساب ویژه‌ای روی این دو بازیکن باز کرده بود. او به ویژه قصد داشت با جذب ایری، خون تازه‌ای به رگ‌های خط دفاعی تیمش تزریق کند و یک تغییر نسل اساسی را رقم بزند. هر دو بازیکن هم قلب‌شان برای حضور در پرسپولیس می‌تپید. آنها در مصاحبه‌ها و ویدیوهای مختلف، پالس‌های مثبتی فرستاده بودند و صراحتا اعلام کردند که ترجیح می‌دهند فصل آینده را در تهران و با پیراهن سرخ‌سپری کنند. اما در دنیای حرفه‌ای فوتبال، عشق و علاقه بازیکن به تنهایی نمی‌تواند برگه قرارداد را امضا کند.

در سوی دیگر میدان، باشگاه نساجی مازندران با یک استراتژی هوشمندانه و کاملا اقتصادی وارد عمل شده بود. آنها در همان روزهای ابتدایی نقل‌وانتقالات، این دو ستاره جوان را که فصل گذشته عضو این تیم نبودند، با قیمتی مناسب به خدمت گرفتند. هدف شهاب زندی، مدیرعامل نساجی، کاملا روشن بود؛ یک سرمایه‌گذاری پرسود برای فروش به غول‌های لیگ برتر. نساجی که با دریافت رضایتنامه کسری طاهری از باشگاه روسی، برگ برنده را در دست داشت، به پرسپولیس نشان داد که برای به‌دست آوردن این دو بازیکن، باید سر کیسه را شل کند.

مذاکرات میان پیمان حدادی (مدیرعامل پرسپولیس) و مدیران نساجی روزهای پرفراز و نشیبی را طی کرد. از مصاحبه‌های تند شهاب زندی علیه مسئولان پرسپولیس گرفته تا از سرگیری دوباره گفت‌وگوها. در نهایت، به نظر می‌رسید یخ‌ها آب شده و توافق شفاهی به دست آمده است. همه در باشگاه اما ناگهان بمب خبری منفجر حال وقت‌کشی است تا شاید روی دست مدیران رضایتنامه منتفی پرسپولیس منتظر رونمایی از دو خرید جدید بودند، شد. باشگاه نساجی که احساس می‌کرد پرسپولیس در بتواند مبلغ رضایتنامه را کاهش دهد، آب پاکی را پرسپولیس ریخت. پیام نهایی مخابره شد؛ صدور است! با وجود اینکه پرسپولیسی‌ها ادعا کردند صرفا در حال بررسی جوانب حقوقی قرارداد بوده‌اند، اما مرغ نساجی یک پاداشت و پرونده این انتقال بسته شد.

حالا مهدی تارتار مانده و پازل‌های به هم ریخته تاکتیکی‌اش. شوک این اتفاق در اردوی پرسپولیس پیچیده است و آنها باید به سرعت به دنبال گزینه‌های جایگزین باشند. در مقابل، نساجی حالا این دو شاه‌ماهی را در بازار آزاد به حراج گذاشته است. تیم‌هایی چون استقلال (که البته فعلا پنجره‌اش بسته است) و تراکتور تبریز با چشمانی باز، منتظر صید این دو بازیکن هستند. معادلات بازار به شکلی رقم خورد که شاید کسری طاهری و دانیال ایری، علی‌رغم تمام علاقه‌شان به پرسپولیس، مجبور شوند در فصلی که پیش رو است، با پیراهن رقبای مستقیم سرخ‌پوشان به میدان بروند. این است روی بی‌رحم و در عین حال جذاب فوتبال!

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

شناسه آگهی: ۲۲۲۲۲۴۶

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۳۹۰۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت آقای /خانم سمانه خزاعی خوراسگانی به شناسنامه شماره ۴۹۰۹ و شماره ملی ۱۲۹۳۴۱۴۲۹۸ صادره اصفهان فرزند اصغر در ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی با کاربری زراعی بدون درج اعیانی به مساحت ۱۳۱۹/۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۳۳ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اسناد و املاک شرق است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

حمیدرضا خسروی– رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی مفقودی برگ سبز، برگ کمپانی

بنام فیروز صادقی نام پدر ،فرضعلی سواری هاچ بک ،داخلی پژو ، ۲۰۶_۳TU کدملی ،۱۳۸۲۲۸۵۲۹۹، مدل ،۱۳۸۱ رنگ ،مشکی متالیک شماره پلاک،۱۵ایران ۶۹۲و۴۵ شماره شاسی،۱۰FSE۳۳۸۳۶۱۴۹ شماره موتور ،۸۱۶۱۳۹۶۲.

تبریز